

## حسن بن زاهد کرمانی دانشمند کیمیایی سده هشتم هجری و آثار او در کیمیا<sup>۱</sup>

علی کاوسی رحیم<sup>۲</sup>

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ علم،

تهران، ایران

رضا کوهکن

استادیار موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران

یونس فرهمند

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی،

تهران، ایران

### چکیده

حسن بن زاهد، مشهور به غریب کرمانی از دانشمندان ایرانی است که در نیمه اول سده هشتم هجری زنده بوده است. وی در سال ۷۲۳ هجری قمری از فضای نامساعد اجتماعی و فرهنگی ایران در زمان حکومت ابوسعید بهادر از ایلخانان مغول به زیر سایه حمایت سلطان محمد بن تغلق، دومین پادشاه سلسله تغلق‌شاهیان هند پناه برد و آثاری در علم کیمیا تألیف و به آن پادشاه تقدیم نمود. اولین اثر این نویسنده، کتابی به زبان فارسی با عنوان *مفتاح‌الرموز* در ۶ باب و ۳۱ فصل است. این کتاب در کلیات و مبانی علم کیمیا و بین سال‌های ۷۲۳ تا ۷۲۶ هجری قمری تصنیف شده است. از این دانشمند مسلمان، که متأسفانه تاکنون ناشناخته مانده است، حداقل دو اثر دیگر در علم کیمیا به زبان فارسی بر جا مانده است: *مقلادالکنوز* که جنبه عملی و تجربی آن بیشتر بوده و به شرح فرایندها و آلات و ادوات کیمیایی پرداخته و رساله مختصری با عنوان *منتخب‌مفتاح‌الرموز* که هرچند مطالب آن تا حدی به *مفتاح‌الرموز* شباهت دارد، اما کتاب مستقلی است.

**کلیدواژه‌ها:** حسن بن زاهد کرمانی، کیمیای اسلامی، *مفتاح‌الرموز*، *مقلادالکنوز*، *منتخب‌مفتاح‌الرموز*.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۲۶.

۲. نویسنده مسؤول، پست الکترونیک: kavousirahim@yahoo.com

## مقدمه

دانشمندان اسلامی در پیشرفت علومی مانند نجوم، ریاضیات، طب و شاخه‌های مختلف فیزیک و فناوری (حیل، اثقال، ترازوها، ساعت‌ها و ...) سهم قابل توجهی داشته‌اند. بسیاری از آنان، در باب «کیمیا» نیز آثاری تالیف نموده و برخی هم، منحصرًا در این حوزه فعالیت داشته‌اند. جابر بن حیان (د. ۲۰۰ هـ)، محمد بن زکریای رازی (د. ۳۱۳ هـ)، حسین بن علی ملقب به مؤیدالدین طغرایی (د. ۵۱۵ هـ) و علی بن محمد بن ایدمر جلدکی (د. ۷۶۲ هـ) بزرگ‌ترین کیمیاگران اسلامی هستند. به‌ویژه جابر (Geber لاتینی) و رازی (Rhazes لاتینی) شهرت جهانی داشته و هر یک از کیمیاگران اسلامی را می‌توان پیرو مکتب یکی از این دو دانشمند نامدار دانست. جابر، چهره شاخص و نماد کیمیای درون‌گرا و رمزآلود است، در حالی که رازی در کیمیای تجربی و عملی پیشتاز بوده است.<sup>۱</sup>

«حسن بن زاهد غریب کرمانی» از جمله کیمیاگرانی است که در اوایل قرن هشتم هجری به تالیف آثار کیمیایی به زبان فارسی پرداخته است. وی در سال ۷۲۳ هـ که مقارن با حکومت ابوسعید بهادر (از ایلخانان مغول) در ایران بوده، به سرزمین هند رهسپار شده و در آنجا به خدمت محمد بن تغلق، دومین پادشاه سلسله تغلق‌شاهیان هند (حک: ۷۲۰-۸۱۵ هـ) رسیده است. محمد بن تغلق یکی از بزرگترین سلاطین مسلمان هند محسوب می‌شود که در طول ۲۷ سال پادشاهی (۷۲۵-۷۵۲ هـ)، تقریباً تمام هند را تحت استیلای خود درآورد. وی به علم و فلسفه علاقه وافری داشته و دانشمندان و فیلسوفان مهاجر را مورد تفقد قرار داده و مجال فعالیت علمی را برای آنان فراهم می‌آورده است.<sup>۲</sup> سلطان محمد با ایرانیان و عرب‌ها روابط دوستانه‌ای داشت و مهمان‌نوازی او در حق بیگانگانی که از تمامی سرزمین‌های اسلامی به هند می‌آمدند، مشهور بود.<sup>۳</sup> خود سلطان نیز گاه در بحث‌های علمی شرکت می‌جسته و به‌ویژه در نگارش عربی و فارسی تبخّر داشت و حتی به زبان فارسی شعر می‌سرود.<sup>۴</sup>

زبان فارسی، زبان رسمی تغلق‌شاهیان هند بوده است. از این‌رو حسن بن زاهد، آثار خود را به زبان فارسی نوشته و به سلطان محمد تقدیم کرده است. سلسله بهمنیان (۷۴۸-۹۳۴ هـ) نیز

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: آقایانی چاوشی؛ سزگین. قابل ذکر است که تعداد قابل توجهی از آثار کیمیای اسلامی

در بین نسخه‌های خطی به چشم می‌خورد که نویسنده آنها ناشناخته است. ببینید: درایتی.

۲. رضوی، ۲۱۱؛ معصومی ۱۲۳-۱۲۹؛ برای مطالعه بیشتر، نک: برنی.

۳. انوشه، ۲۲۱۳.

۴. الحسینی، ۱۹۹.

که همزمان و بعد از تغلقشاهیان بر هند حکومت کرده و تبار ایرانی داشتند، زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی خویش برگزیدند.<sup>۱</sup> حتی بعدها در زمان گورکانیان (مغولان هند) که با صفویان ایران هم‌عصر بودند، نیز زبان فارسی در هند رواج و رونق بسیار داشت.<sup>۲</sup>

### زندگی حسن بن زاهد

متأسفانه این دانشمند مسلمان در کتب تراجم و رجال و نیز در تحقیقات نوین تقریباً ناشناخته مانده است. احمد منزوی ضمن معرفی برخی از آثار او در *فهرستواره کتاب‌های فارسی*، فقط نام او را ذکر کرده و توضیح دیگری نداده است.<sup>۳</sup> و آقابزرگ تهرانی در کتاب *ارزشمند الذریعه الی تصانیف الشیعه*، در ذیل دو مدخل «مفتاح‌الرموز»<sup>۴</sup> و «مقلا‌الکنوز»<sup>۵</sup> نیز تنها به اشاره کوتاهی در باب وی بسنده کرده است.<sup>۶</sup>

گمنامی وی منحصر به تحقیقات جدید نیست، چه ضیاء‌الدین برّنی (ضیاء برنی) مولف *تاریخ فیروزشاهی* که مورّخ هم‌عصر حسن بن زاهد بوده است، نیز از او نام نبرده است؛ این در حالی است که نویسنده تأکید می‌کند که مدت هفده سال و سه ماه ملازم درگاه سلطان محمد بن تغلق بوده<sup>۷</sup> و در مواردی، سلطان در امور مملکتی با وی مشورت می‌کرده است.<sup>۸</sup> همچنین، سید محمد مبارک علوی کرمانی، معروف به میرخورد کرمانی که معاصر حسن بن زاهد و مقیم هند بوده است، در کتاب معروف خود *سیرالاولیاء* که دربرگیرنده شرح حال تعدادی از عالمان و عارفان می‌باشد، نامی از این دانشمند مسلمان ایرانی نبرده است.<sup>۹</sup>

۱. معصومی، ۱۴۴.

۲. اسماعیل‌زاده، ۸۴.

۳. منزوی، *فهرستواره کتاب‌های فارسی*، ۳۹۸۵.

۴. آقابزرگ تهرانی، ۳۳۱/۲۱.

۵. همو، ۱۱۹/۲۲-۱۲۰.

۶. رضا کُردی در کتاب *فرهنگ‌نامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگی کرمان*، نیز با ارجاع به مطالب الذریعه به ذکر نام حسن بن زاهد پرداخته و تقریباً مطلب تازه‌ای به آن نیافزوده است. کُردی، ۲۰۳.

۷. برنی، ۵۰۴.

۸. برای نمونه نک: همو، ۵۱۱.

۹. میرخورد کرمانی، *سیرالاولیاء*.

به هر روی، به گواهی اطلاعاتی که در باب حیات حسن بن زاهد غریب کرمانی در آثار خود وی آمده است، ما به وجود وی در آن برهه از زمان اطمینان می‌یابیم. نام این دانشمند کیمیایی «حسن» و نام پدرش به گواهی بیشتر نسخه‌های خطی آثارش، به احتمال نزدیک به یقین، «زاهد» بوده است. حسن بن زاهد مشهور به «غریب» بوده و مکرراً در نوشته‌هایش خود را غریب دانسته است.<sup>۱</sup> نیز می‌دانیم که غریب، عنوانی است که در جامعه هند که پذیرای مهاجران فراوانی از ایرانیان و اعراب بوده است، بر آنان اطلاق می‌شده است. به نظر می‌رسد نوعی تمایز فرهنگی و اجتماعی بین این مهاجران با بومیان هند اتفاق افتاده و هندیان مجموعه این افراد را «غریب»، «آفاقی» و «ولایتی» می‌نامیده‌اند.<sup>۲</sup> تعبیری از کتاب *مفتاح‌الرموز* را نیز می‌توان به عنوان شاهی بر این مطلب گرفت، آنجا که مولف در وصف سلطان محمد بن تغلق می‌گوید: «استظهار کلی از انعام عام‌اش، غریب و شهری و مؤمن و کافر را به حاصل آمده ...».<sup>۳</sup> به علاوه، بعید نمی‌نماید که این شهرت به معنای عرفانی و صوفیانه کلمه «غریب» اشاره داشته و بیانگر درون‌گرایی و فراغت مؤلف از دنیا بوده باشد؛ چنان که این معنا در عموم مکاتب صوفیانه مورد تاکید بوده و کمابیش در برخی متون و باورهای کیمیایی مانند مجموعه آثار جابر بن حیان<sup>۴</sup> دیده می‌شود. و سرانجام اینکه نسبت او «کرمانی» است؛ شایان توجه است که وی از کرمان و مواد و معادن آن‌جا در چندین جای مختلف از آثار خود یاد کرده است.<sup>۵</sup>

از تاریخ ولادت و وفات این دانشمند مسلمان اطلاعی در دست نیست؛ لکن از متن آثارش می‌توان اطلاعات پراکنده‌ای درباره برخی وقایع زندگی وی به دست آورد. او در جوانی با علم کیمیا و رموز آن آشنایی یافته، ولی به تالیف اثر یا آموزش کیمیا دست نیازیده، هر چند همواره مترصد فرصتی برای آن بوده است.<sup>۶</sup> سرانجام، در سال ۷۲۳ هـ در سنین میان‌سالی به سرزمین

۱. برای نمونه نک: غریب کرمانی، *مقلاذالکنوز*، نسخه شماره ۱۵۲/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب‌آپ و ب‌آر.
۲. معصومی، ۲۳۸-۲۴۲؛ ارشاد، ۷۵، ۱۹۹ و ۲۳۰.
۳. نک: غریب کرمانی، *مفتاح‌الرموز*، نسخه شماره ۳۷۷۸/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ب‌آر.
۴. برای مطالعه بیشتر، نک: قربانی، ۸۵-۱۴۱؛ لوری، ۵۹-۷۲.
۵. برای نمونه از زاج کرمانی و خصوصیات آن (ب‌آپ)، از بوق و نوشادر کرمانی (ب‌آر) و از نوره کرمانی (ب‌آپ) در کتاب *مقلاذالکنوز* یاد می‌کند (شماره برگه‌ها مربوط به نسخه شماره ۱۵۲/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی می‌باشد).
۶. نک: غریب کرمانی، *مفتاح‌الرموز*، نسخه شماره ۳۷۷۸/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ب‌آپ.

هند مهاجرت نموده و بنا بر تصریح کتاب *مقلاذ/کنوز*، در شهر سلطان‌پور به خدمت سلطان محمد بن تغلق، دومین پادشاه سلسله تغلق‌شاهیان که البته در آن هنگام هنوز بر تخت ننشسته بود، رسیده است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد پس از آنکه سلطان محمد به پادشاهی رسید، آنگاه که پایتخت خود را به شهر نویناد دولت‌آباد منتقل کرده و درباریان و دانشمندان<sup>۲</sup> - بنا بر نقلی همه ساکنان دهلی<sup>۳</sup> - را به اجبار به آنجا کوچ داد، حسن بن زاهد نیز به شهر دولت‌آباد منتقل شده است. به عنوان شاهدی بر حضور وی در این شهر، می‌توان به قسمتی از متن *منتخب مفتاح‌الرموز* استناد کرد که طی آن از وجود کتاب *فردوس‌الحکمه* نوشته خالد بن یزید در دارالملک دولت‌آباد یاد می‌کند.<sup>۴</sup> در هر حال او در سال ۷۲۶ هجری *مفتاح‌الرموز* را تالیف کرده و همراه با مدح و ثنای سلطان محمد بن تغلق، کتاب را به او تقدیم نموده است.<sup>۵</sup> قابل ذکر است که حسن بن زاهد در هر سه کتاب خود از این پادشاه با تکریم و تمجید یاد کرده است.

### آثار حسن بن زاهد کرمانی

با مراجعه به فهرس نسخ خطی<sup>۶</sup> و رویت نسخه‌ها و تفحص در آنها، معلوم شد که وجود حداقل سه کتاب مستقل از این دانشمند مسلمان قطعی است که هر سه در باب کیمیا و به تعبیر نویسنده در باب «صنعت حکمت شریفه» اند:

۱. غریب کرمانی، *مقلاذ/کنوز*، نسخه شماره ۱۵۲/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۱. چنان که می‌دانیم در سال ۷۲۳ هـ که حسن بن زاهد به هند عزیمت نموده، غیاث‌الدین تغلق‌شاه (اولین پادشاه تغلق‌شاهیان، حک: ۷۲۰-۷۲۵ هـ) در مسند قدرت بوده است؛ لکن وی در آثار خود از این پادشاه یاد نکرده است.
۲. برنی، ۴۷۴؛ معصومی، ۱۲۳؛ رضوی، ۱۲.
۳. ارشاد، ۸۴.
۴. نک: غریب کرمانی، *منتخب مفتاح‌الرموز*، نسخه شماره ۱۵۲/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۵۷.
۵. شایان ذکر است که کتاب *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*؛ شماره چهارم (کتابخانه جامعه هم‌درد تغلق‌آباد، دهلی نو)، درباره حسن بن زاهد تعبیر «زنده در ۷۳۲ هـ» را آورده است که به نظر می‌رسد اشتباهی در نوشتار یا چاپ آن روی داده باشد. نک: ابطحی، ۲۵۱-۲۵۲.
۶. جامع‌ترین معرفی از آثار غریب کرمانی در *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)* به کوشش مصطفی درایتی آورده شده است؛ درایتی، ۹۸۲/۹-۹۸۳. آقابزرگ تهرانی در *فهرستواره الذریعه الی تصانیف الشیعه*، گرچه دو کتاب *مفتاح‌الرموز* و *مقلاذ/کنوز* را تفکیک نموده و در دو مدخل جداگانه آورده است، لکن به تعداد نسخه‌های کمتری از آثار این نویسنده اشاره نموده و برخی از نسخه‌های این دو اثر را بجای دیگری معرفی کرده است. نیز *فهرستواره کتاب‌های فارسی* (به کوشش احمد منزوی) تنها به ۷ نسخه از این موارد اشاره کرده است (ص ۳۹۸۵). در نهایت،

## ۱. مفتاح‌الرموز

مفتاح‌الرموز کتابی است به زبان فارسی که شامل شش باب و سی و یک فصل است. این اثر به تبیین مبانی نظری کیمیا اختصاص یافته است. و به نحو نظام‌یافته‌ای انطباق و همگونی موجود میان عالم کبیر، عالم صغیر و عالم اوسط را که کیمیاست، تشریح می‌کند. نویسنده، در سیری منطقی از مقدمات و چگونگی خلقت موالید سه‌گانه (جمادات، نباتات و حیوانات) آغاز کرده و تا کیفیت مزاج انسان‌ها در بهشت با همین جسد خاکی توضیح می‌دهد. حسن بن زاهد در این کتاب، بیش از ۵۰ مورد به آیات قرآن کریم استناد و تلاش کرده است که از آیات شریفه قرآن، تاویل کیمیایی بدست دهد.

صوفی نامدار، حسین بن منصور حلاج، آن «عاشق صادق پاکباز»، به تعبیر عطار در تذکره الاولیاء<sup>۱</sup> در نظر غریب کرمانی منزلتی خاص دارد. نویسنده ضمن یادآوری و تجلیل از مقام عرفانی حلاج، باب چهارم مفتاح‌الرموز را به تفسیر این شعر معروف وی اختصاص داده است:

اقتلونی یا ثقاتی  
ان فی قتلای حیاتی  
و مماتی فی حیاتی  
و حیاتی فی مماتی

غریب کرمانی این ابیات را «وصف حال شیخ حسین منصور بر طریق و قواعد سلوک و بیان مزاج و اعتدال» می‌داند. معنی اولیه و ظاهری این بیت، دعوت مردمان به این امر است که وی را بکشند، چرا که کالبد تن حجاب رؤیت معشوق حقیقی است و با مرگ، این حجاب برداشته می‌شود و روح تفرد می‌یابد. و اما معنای باطنی این بیت، عبارت است از حکایتی که حلاج،

---

فهرست نسخه‌های خطی فارسی؛ شماره چهارم (کتابخانه جامعه هم‌درد تعلق آباد، دهلی نو به کوشش ابطحی تنها یک نسخه از آثار حسن بن زاهد را معرفی نموده است. یادآوری می‌شود که در فهرستواره‌های دیگر، از جمله موارد ذیل هیچ اثری از حسن بن زاهد ذکر نشده است:

فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی، ایران و هند، مرکز میکروفیلم نور، ۱۳۷۹؛  
منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۳؛

نقوی امرهوی هندی، سید شهسوار حسین، تالیفات شیعه در شبه‌قاره هند: معرفی ۱۲۵۰۰ کتاب مولفین شیعه هند، پاکستان و بنگلادش به ۱۷ زبان، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴؛

Maulavi, Abdul Muqtadir, Index to the Catalogue Raisonne of the Persian Manuscripts, Superintendent Government Printing, Bihar, Patna, 1939.

برای ملاحظه نکات بیشتر درباره نسخه‌ها نک: کاوسی رحیم، ۴۵-۶۰.

۱. نک: عطار، ۵۰۹.

خود، قهرمان آن است؛ و وحدت راوی و روایت و قهرمان روایت در آن محقق شده است. سالک در پی موت ارادی به حیات جاودان دست می‌یابد، و از برازخ و عذاب‌های برزخی رهایی می‌یابد. حسن غریب با به کارگیری تأویل، معانی مذکور در این بیت را به موت و حیات کیمیایی (یا به عبارت دیگر، به حل و عقد) تعبیر می‌کند. حسن بن زاهد، شیخ را نماد رکن تراپی دانسته است که ذبح شیخ به معنای روحانی کردن آن رکن می‌باشد؛ این امر باعث می‌شود که میان آن و سه رکن دیگر که خود روحانی هستند مزاج کلی پدید آید و بقای ابدی حاصل شود. محور اصلی باب پنجم، شرح و تفسیر چند بیت دیگر (ادامه ابیات فوق)<sup>۱</sup> از حلاج می‌باشد و چنان که اشاره شد، حسن بن زاهد آن اشارات را بر پایه مشرب تأویل کیمیایی تفسیر می‌کند.

قابل ذکر است که حسن بن زاهد بر اساس اصول و مبانی که در *مفتاح‌الرموز* آورده، جنبه‌های عملی و به عبارت دیگر، آزمایشگاهی کیمیا را در کتاب *مقلاذالکنوز* تشریح کرده است؛ به گونه‌ای که با مطالعه کتاب اخیر، جامعیت *مفتاح‌الرموز* بیش از پیش نمایان می‌شود. چنان که در متن *مقلاذالکنوز* آورده شده است، سال تالیف *مفتاح‌الرموز*، هفتصد و بیست و شش هجری است.<sup>۲</sup> از کتاب *مفتاح‌الرموز*، هم‌اکنون دست‌کم سیزده نسخه خطی (در کتابخانه‌های ایران) موجود است که نشان آن است که این اثر محل رجوع بسیار بوده است. تعدادی از نسخه‌ها، دارای عنوان «مفاتیح‌الرموز و مقلاذالکنوز» و برخی به نام «مفتاح‌الرموز»<sup>۳</sup> اند؛ لکن در چندین جای مختلف از کتاب *مقلاذالکنوز* و نیز در کتاب دیگر مولف با عنوان *منتخب مفتاح‌الرموز*، از اولین تالیف وی با عنوان «مفتاح‌الرموز» یاد شده است. لذا در این تحقیق، عنوان کتاب را «مفتاح‌الرموز» در نظر گرفتیم. گویا نویسنده در زمان تالیف نخستین اثر خویش، آن را «مفتاح‌الرموز و مقلاذالکنوز» نامیده است، اما آنگاه که تصمیم به نگارش کتاب دیگری گرفته است، عنوان کتاب اول را به *مفتاح‌الرموز* تقلیل داده است و کتاب دوم خود را *مقلاذالکنوز* نامیده است، تا عناوین آثارش، به نوعی هم‌وزن و مسجّع باشد.

## ۲. منتخب مفتاح‌الرموز

اگر چه این رساله، عنوان «منتخب» را بر خود دارد، اما بسی بیش از یک گزیده و چکیده *مفتاح* است. مطالبی در این اثر هست و ارجاعاتی در آن می‌توان یافت که اساساً در *مفتاح‌الرموز*

۱. برای مطالعه بیشتر نک: حلاج، ۱۳۶-۱۳۸.

۲. نک: غریب کرمانی، *مقلاذالکنوز*، نسخه شماره ۱۵۲/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۳.

۳. برای مطالعه بیشتر نک: کاوسی‌رحیم، ۴۵-۶۰.

وجود ندارد. یکی از نکات مهمی که در این اثر مذکور افتاده است، اشاره به ماهیت حجر کیمیاگران است: در اشاره‌ای گذرا، «یاقوت» را از آن سبب که «در غایت اتحاد و ثبات کلی است»، ماده‌المواد کیمیاگران می‌داند: «یاقوت بهترین کلی مخلوقات است که اندرین عالم کون و فساد است و ما آن چیز را می‌گیریم و عناصر چهارگانه او را از یکدیگر جدا می‌کنیم و از فسادت مطهر می‌گردانیم و میزانی منزل که اعتدال حقیقی در آن است مرکب می‌کنیم و به حکمت بالغه، اثر ضدیت از آن چهار عنصر برمی‌داریم و تشاکل و جنسیت در ایشان پدید می‌آوریم و به لطف تدبیر، آن چهار عنصر را اتحاد و مزاج کلی پیدا می‌کنیم و به رفق و تأنی بر عقوبت آتش تدبیر صبور و معتادشان می‌گردانیم تا اتحاد و امتزاج کلی می‌یابند و ...»<sup>۱</sup>

دلایلی چند حسن زاهد را بر آن می‌دارد که در قالب رساله‌ای مستقل، «منتخب» مفتاح-الرموز را عرضه کند. اول آنکه اصطلاحات و رموز مندرج در مفتاح، چون پرده از شگفت‌ترین آثار قدرت خداوند در کل آفرینش برمی‌دارند، «زیادت از حوصله ابناء روزگار و دور از ادراک اهل این دیار» ظاهر گشت. بر این اساس، حسن بن زاهد وظیفه خویش می‌بیند که به اختصار و با استشهاد به آیات قرآنی به توضیح آن اسرار بپردازد تا «مشکلات و شبهات از پیش برداشته شود».<sup>۲</sup> دوم اینکه، مشغله شاهان چنان بسیار است که برای آنان فرصت کافی برای مطالعه کتب تفصیلی به جا نمی‌گذارد؛ بر این اساس، ضروری است که مطالب برای آنان به اختصار بیان شود. این امر بی‌سابقه نیست، چرا که جابر بن حیان، بزرگ کیمیاگر جهان اسلام، نیز آنگاه که روش‌های مختلف تدبیر حجر را توضیح می‌دهد که هر یک از آنها مدت زمان‌های مختلفی به طول می‌کشد، راهی کوتاه و مختصر که در زمانی اندک به نتیجه می‌رسد، نیز برای شاهان عرضه می‌کند، و درست به همین دلیل که وقت آنان تنگ است.<sup>۳</sup> حسن غریب در مقلاد/کنوز چنین تصریح کرده است:

«این قِسم اعظم، چنان سری است که از دور آدم تا این دم، زیادت از حوصله عظماء جهان و دور از ادراک فضلاء زمان بوده است. از این سبب کتاب مفتاح‌الرموز را منتخب کرد تا آنچه

۱. نک: غریب کرمانی، منتخب مفتاح‌الرموز، نسخه شماره ۱۵۲/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۵۸.

۲. غریب کرمانی، منتخب مفتاح‌الرموز، نسخه شماره ۱۵۲/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۵۳.

۳. نک: سزگین، ۲۸۷ (در ذیل معرفی کتاب‌الملک از مجموعه پانصد کتاب جابر بن حیان).



خلاصه غرض است از این علم شریف و کیفیت وجود مطلوب، به کلام مختصر نزد حضرتش [محمد بن تغلق‌شاه] معلوم و مقرر گردد...»<sup>۱</sup>.

### ۳. مقلادالکنوز

مقلادالکنوز کتابی است مفصل در علم کیمیا که به نوعی تکمیل کننده مطالب مفتاح‌الرموز بوده و به شرح فرآیندهای مختلف علم کیمیا، آلات و لوازم مورد نیاز در تجربیات کیمیایی پرداخته است. مقلادالکنوز، در شش باب و بیست و هفت فصل نگاشته شده است. نویسنده در باب اول، پس از ذکر مقدمه‌ای به اصول و مبانی اعمال کیمیا اشاره کرده و دو باب بعدی را در بیان شناسایی و استخراج مواد معدنی مختلف، تالیف نموده است. در باب چهارم و در چهار فصل مختلف به شرح آلات و ادوات تصعید، تقطیر، حل و عقد پرداخته است؛ لکن طرح یا تصویری از ادوات و تجهیزات در نسخه‌ها به چشم نمی‌خورد. شرح ویژگی‌های مواد گوناگون و شیوه تهیه آنها در دو باب آخر کتاب ارائه شده است. چنین به نظر می‌رسد که سوالات و ابهاماتی که مطالعه مفتاح‌الرموز در اذهان خوانندگان ایجاد کرده بوده، حداقل یکی از دلایل تصنیف مقلادالکنوز بوده است.

### ویژگی‌های آثار حسن بن زاهد کرمانی

به لحاظ صوری، برای آثار کیمیایی حسن بن زاهد، دو ویژگی درخور ذکر است: یکی عبارت‌هایی مانند «بدان ارشدک الله...»، «بدان آبدک الله...» و تعبیرات مشابه که به صورت تکیه‌کلام در شروع فصل‌ها و برخی بندهای آثار وی تکرار می‌شود. این ویژگی را اگرچه نمی‌توان منحصر به آثار این نویسنده کیمیایی دانست؛ لکن می‌توان از آن به عنوان شاهد و قرینه‌ای اولیه در جستجوی آثار او بهره جست؛ دیگری، ارجاعات متعدد و نظام‌مند او به آثار حکما و کیمیگران قبل از خود است. وی در جای‌جای آثارش، به آثار قدما نظیر افلاطون، ارسطو و بلیناس و نیز کیمیادانان اسلامی نظیر خالد بن یزید، جابر بن حیان، ابواسماعیل طغرانی، خاقانی، محمد بن جریر طبری و حسین بن منصور حلاج استشهد کرده است. حسن بن زاهد - افزون بر این - در یک تذکره کیمیایی که ضمیمه آثار خود کرده است، فهرستی شامل ۷۱ کتاب از ۲۵ نویسنده را ذکر کرده است؛ در سرآغاز آن می‌خوانیم: «تذکره

۱. غریب کرمانی، مقلادالکنوز، نسخه شماره ۱۵۲/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۲.

اسامی کتب اهل صنعت و حکمت که این درویش کتاب *مفتاح‌الرموز* و [کتاب] *مقلاد‌الکنوز* را بر رأی ایشان نهاده است.<sup>۱</sup> این موضوع از جهت تاریخ‌نگاری علم کیمیا حائز اهمیت بسیار است؛ با مطالعه کتاب‌های حسن بن زاهد می‌توان به اطلاعاتی درخور در باب منابع در دسترس و مورد رجوع کیمیایان سده هشتم دست یافت.

لازم به ذکر است که متون کیمیایی هند، عمدتاً به زبان‌های سانسکریت و تامیلی هستند. این در حالی است که کیمیای هند به‌ویژه در دوره بین سده پنجم تا نهم هجری (قرن ۱۱ تا ۱۵ میلادی) دارای تألیفات بسیار و پربرابر است.<sup>۲</sup> لکن در بین مجموعه منابعی که حسن بن زاهد بر استفاده از آنها در تألیف آثار خود تصریح کرده است، نامی از کتاب‌ها و دانشمندان هندی به چشم نمی‌خورد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که وی از منابع هندی در تألیفات خود استفاده نکرده و همه معلومات کیمیایی خود را در ایران فراگرفته است.

از منظر اخلاق علمی نیز، هر دو ویژگی فوق را می‌توان از نقاط قوت آثار این نویسنده ارزیابی کرد. وی با ذکر مکرر عبارات‌های دعایی مانند «بِإِذْنِ اللَّهِ» و «بِإِذْنِ اللَّهِ» از خداوند بزرگ برای خواننده طلب هدایت و رشد می‌کند و با ذکر نام دانشمندان قبل از خود و عنوان آثار آنها، امانت‌داری علمی را رعایت کرده است.

مجموعه آثار برجای مانده از حسن بن زاهد کرمانی، از نظر محتوایی نیز نظام‌مند و جامع-الاطراف هستند. وی در کتاب‌های *مفتاح‌الرموز* و *منتخب‌مفتاح‌الرموز* مبانی نظری علم کیمیا را تدوین و تبیین نموده و در کتاب *مقلاد‌الکنوز*، به وجه عملی کیمیا پرداخته است. کیمیا در نظر وی به مثابه «علم به نحو اتم» دانسته شده است؛ چرا که با فهم کیمیا، شخص از مبدأ و معاد باخبر می‌شود. کیفیت آفرینش موجودات، کیفیت وقوع معاد جسمانی و چگونگی زندگی در بهشت و دوزخ در جهان بینی کیمیایی وی تبیین می‌گردد. در نظر غریب کرمانی، چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش ارکان تشکیل‌دهنده موجودات و چهار کیفیت تری، خشکی، سردی و گرمی تعیین‌کننده خواص مواد مختلف هستند. تعادل در ترکیب این چهار عنصر، لازمه بقای حیات و خروج از تعادل باعث فساد آنهاست. طبیعت پنجم که همان اکسیر است مطابق «میزانِ مُنْزَل» قابل حصول خواهد بود.

۱. غریب کرمانی، تذکره کیمیایی ضمیمه *منتخب‌مفتاح‌الرموز*، نسخه شماره ۱۵۲/۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ب ۵۹ - ب ۶۰.

2. Subbarayappa, 270-274.

تأویل و تفسیر کیمیایی از آیات قران کریم در متون این کتاب‌ها به فراوانی به چشم می‌خورد. نویسنده، هم‌چنین تلاش می‌کند که از اشعار و اقوال شاعران و عارفانی مانند حلاج، تفسیری کیمیایی ارائه دهد. به لحاظ هرمنوتیکی، این نکته حائز اهمیت است که غریب کرمانی آیات و روایات را بر اساس مبانی علم کیمیا تأویل می‌کند.

یادآوری می‌شود که منابع کیمیای اسلامی بیشتر به زبان عربی تألیف شده و منابع فارسی موجود غالباً ترجمه آثار عربی‌اند.<sup>۱</sup> از آنجا که آثار کیمیایی تألیفی به زبان فارسی - نه ترجمه شده - پیش از حسن بن زاهد تقریباً انگشت‌شماراند؛<sup>۲</sup> لذا با عنایت به این که حسن بن زاهد همه آثار خود را به زبان فارسی نوشته، به جرات می‌توان وی را از پیشتازان نگارش کتاب‌های کیمیایی به زبان فارسی دانست.

#### نتیجه

مطالعه و تدبر در آثار کیمیایی حسن بن زاهد غریب کرمانی نشان می‌دهد که سنت کیمیایی اسلامی تا سده هشتم هجری با قوت تام تداوم یافته است؛ عصری که در آن یک کیمیاگر بزرگ دیگر مسلمان، جلدکی، نیز می‌زیسته است که آثار وی در شرح سخن کیمیاگران پیشین از اهمیت به سزایی برخوردار است. حسن بن زاهد یک نقطه عطف در تاریخ تألیف متون کیمیایی به زبان فارسی نیز هست؛ گستردگی نسخه‌های *مفتاح‌الرموز* وی، که دست‌کم سیزده نسخه از آنها تاکنون شناخته شده است، نشان از آن دارد که نوشته‌های وی محل رجوع بوده است. *مفتاح‌الرموز* وی اثری غنی، دقیق و نظام‌مند است که می‌تواند به عنوان متنی درسی برای آنان که خواهان آشنایی با علم کیمیای اسلامی‌اند، توصیه گردد. و شایسته است که این اثر با رعایت اصول علمی، تصحیح شود و در دسترس پژوهندگان قرار گیرد.

۱. هم‌اکنون در کتابخانه‌های ایران، حدود ۳۳۸۷ نسخه خطی فقط درباره کیمیا موجود است که ۲۲۴۴ مورد آنها به زبان عربی است. درایتی، ۱/چهل و یک.  
۲. آقایانی چاوشی، ۱۸۳-۱۹۲.

## کتابشناسی

علاوه بر قرآن کریم

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۹۲ ق.

آقایانی چاوشی، جعفر، *شیمیدانان نامی اسلامی*، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷.  
ابطحی، سیدباقر (پیشگفتار)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی؛ شماره چهارم (کتابخانه جامعه همدرد تعلق آباد، دهلی نو، دهلی نو (هند))*، مرکز تحقیقات فارسی راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷.

ارشاد، فرهنگ، *مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.

اسماعیل‌زاده، یوسف، "زبان و ادبیات فارسی در قلمرو خانان مغول"، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۲۸ (۱۳۸۸): ۸۴-۸۷.

انوشه، حسن، *دانشنامه ادب فارسی، جلد چهارم: ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان و بنگلادش)*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.  
برنی، ضیاء‌الدین (ضیاء برنی)، *تاریخ فیروزشاهی*، به تصحیح مولوی سید احمد خان صاحب، کلکته (هند)، آسیاتک سوسیتهی بنگاله (Asiatic Society of Bangal)، ۱۸۶۰ م.

الحسینی، عبدالحی بن فخرالدین، *الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام (نزهة الخواطر و بهجة المسامع و التواظر)*، بیروت (لبنان)، انتشارات دار بن حزم، ۱۴۲۰ ق.

حلاج، حسین بن منصور، *دیوان حلاج (منظومه‌های عرفانی حلاج)*، تحقیق، ترجمه و شرح قاسم میرآخوری، تهران، نشر فهرست، ۱۳۸۹.

درایتی، مصطفی، *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران، انتشارات مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.

رضوی، سید اطهر عباس، *تاریخ تصوف در هند*، ترجمه منصور معتمدی، جلد اول، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.

سزگین، فواد، *تاریخ نگارش های عربی، جلد چهارم (کیمیا، شیمی، گیاه‌شناسی، کشاورزی)*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

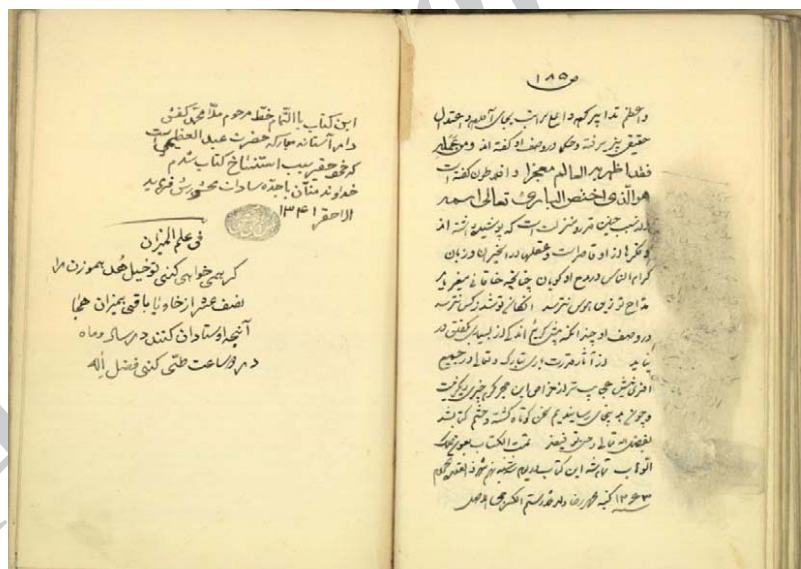
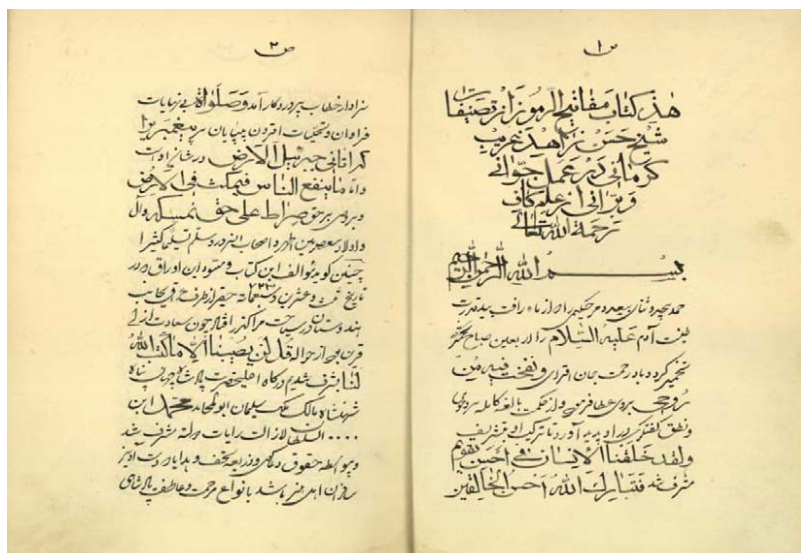
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد، *تذکرة الاولیاء*، تصحیح محمد استعلامی، انتشارات زوار، ۱۳۸۶.

غریب کرمانی، حسن بن زاهد، *مفتاح‌الرموز*، نسخه خطی شماره ۳۷۷۸/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

- همو، مقلادالکنوز، نسخه خطی شماره ۱۵۲/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- همو، منتخب مفتاح‌الرموز، نسخه خطی شماره ۱۵۲/۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی، ایران و هند، مرکز میکروفیلم نور، ۱۳۷۹.
- قربانی، منیژه، کیمیایانامه؛ پژوهشی در گشایش راز کیمیا در ادب ایران زمین، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۷.
- لوری، پییر، کیمیا و عرفان در سرزمین اسلام، ترجمه زینب پودینه آقایی و رضا کوهکن، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۸.
- کاوسی‌رحیم، علی، «تصحیح انتقادی سه باب نخست مفتاح‌الرموز از حسن بن زاهد غریب کرمانی، قرن هشتم هجری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده الهیات و فلسفه، ۱۳۹۰.
- گُردی، رضا، فرهنگ‌نامه رجال علمی و مشاهیر فرهنگی کرمان (از آغاز اسلام تا پایان عصر قاجاریه)، انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، کرمان، ایران، ۱۳۸۸.
- معصومی، محسن، فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی دکن در دوره بهمنیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۳.
- منزوی، احمد، فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- میرخورد کرمانی (سید محمد مبارک علوی کرمانی)، سیرالاولیا، ترجمه اعجازالحق قدوسی، لاهور، انتشارات مرکزی اردو بورده، ۱۹۸۰ م.
- نقوی امرهوی هندی، سید شهسوار حسین، تالیفات شیعه در شبه‌قاره هند: معرفی ۱۲۵۰۰ کتاب مولفین شیعه هند، پاکستان و بنگلادش به ۱۷ زبان، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴.

Maulavi, Abdul Muqtadir, *Index to the Catalogue Raisonne of the Persian Manuscripts*, Superintendent Government Printing, Bihar, Patna, 1939.

Subbarayappa, B. V. (ed.), *History of Science, Philosophy and Culture in Indian Civilization (General Editor: D. P. Chattopadhyaya); Volume IV Part I: Chemistry and Chemical Techniques in India*, New Delhi, India, Pauls Press, First published in 1999, Reprinted 2004.



تصویر صفحات آغازین و پایانی نسخه ۳۷۷۸/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (T)